



۱۰

امیررضا واعظ آشتیانی، مدیرعامل اسبق باشگاه استقلال:

شریعتمداری به جز رابطه سیاسی

چه شایستگی دارد؟

باند محمد شریعتمداری در هلدینگ خلیج فارس با پول پاشی در استقلال به دنبال پیروزی در انتخابات شورای شهر است.

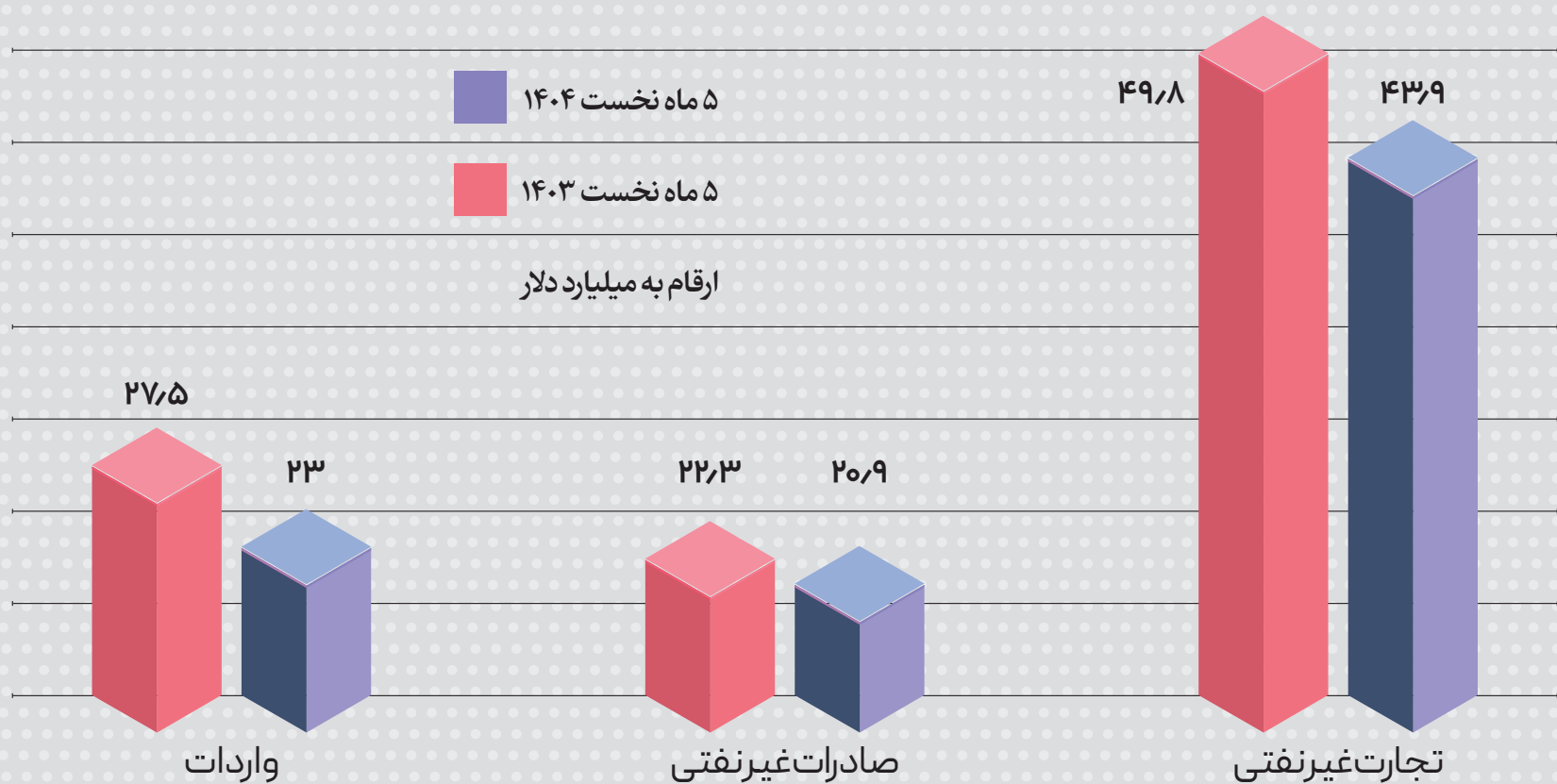
نیض اقتصاد
را در دست بگیرید

چارسوگ

۱۲

در ۵ ماه نخست ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل

صادرات غیرنفتی آبرفت



کاهش حجم تجارت خارجی ایران در دولت چهاردهم ادامه دارد. در حالی که در ۵ ماه نخست سال گذشته که دولت شهید رئیسی بر مسند امور بود، مجموع تجارت خارجی غیرنفتی ایران ۴۹٫۸ میلیارد دلار بود در ۵ ماه نخست امسال با افت ۵٫۸ میلیارد دلاری به کمتر از ۴۴ میلیارد دلار نزول پیدا کرده است. در این میان، صادرات غیرنفتی با افت ۶ درصدی نسبت به سال گذشته مواجه شده و از ۲۲ میلیارد و ۲۵۶ میلیون دلار در ۵ ماه نخست سال قبل در دوره دولت سیزدهم به ۲۰ میلیارد دلار و ۹۱۷ میلیون دلار در ۵ ماه نخست امسال رسیده است. این در حالی است که در ۵ ماه نخست سال ۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۲ صادرات غیرنفتی ایران بیش از ۱۰ درصد رشد کرده بود.

۱۰

استقلال باشند.

شریعتمداری به جز رابطه سیاسی چه شایستگی دارد؟

امیررضا واعظ آشتیانی، مدیرعامل اسبق استقلال با انتقاد از هزینه کرد بالای هلدینگ خلیج فارس در باشگاه استقلال اظهار کرد: آقایان در حال پول پاشی در باشگاه استقلال هستند تا این تیم نتیجه بگیرد و در انتخابات شورای شهر آینده باند آقای شریعتمداری که آقای تاجرنیا و دوستانشان هستند مورد عنایت هواداران

در صورتی که چنین ترفندهایی اصلاح جواب نمی دهد و مدیران هلدینگ خلیج فارس نسبت به این موضوع خواب آشفته می بینند. این مدیر سابق ورزشی با اشاره به مدیریت محمد شریعتمداری در هلدینگ خلیج فارس بیان کرد: من به عنوان یک مطالبه گر این حق را دارم که ببرسم آقای شریعتمداری در این چند سال که در مدیریت کشور حضور داشته چه اثر بخشی داشته است؟ واعظ آشتیانی ادامه داد: این مدتی که شریعتمداری وزیر بازرگانی، صمت و تعاون بوده، آیا جز رابطه سیاسی

شایستگی دیگری برای این مناصب داشته است؟ آیا مدبری خلاق تر از ایشان نداشتیم؟ آیا وقتی کارایی یک مدیر جای سوال دارد، باید مدیریت یک مجموعه بزرگ اقتصادی را به او بدهیم؟ وی افزود: وقتی شریعتمداری یک فردی با اما و اگرهای فراوان را به عنوان نماینده تام‌الاختیار هلدینگ خلیج فارس در باشگاه استقلال انتخاب می کند، دیگر بیش از این نباید از آن انتظار داشت. به نظرمی رسد نظارت حلقه مفقوده این پول پاشی‌های اخیر است، چون اگر نظارتی وجود داشت این اتفاقات نمی افتاد.



۱۲

نرخ تورم ماه آگوست نشان می دهد که شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) در این ماه نسبت به سال گذشته ۲٫۹ درصد افزایش یافته و نسبت به ماه ژوئیه ۰٫۴ درصد بالاتر رفته است. این افزایش، به ویژه در هزینه‌های غذا، سوخت و مسکن، بار سنگینی بر دوش خانوارها گذاشته است.

فشار مضاعف بر خانوارهای آمریکایی با افزایش مجدد تورم در آگوست

تورم در ایالات متحده طی ماه آگوست دوباره شتاب گرفت و بر فشار مضاعفی را بر کرده مصرف کنندگان آمریکایی در بزرگ‌ترین دسته‌های هزینه‌ای وارد کرد. جدیدترین گزارش از

برای اساس قیمت مواد غذایی در آگوست ۰٫۵ درصد افزایش یافته و نسبت به سال گذشته ۳٫۲ درصد بالاتر رفته است. قیمت قهوه به‌طور ویژه‌ای افزایش یافته و نسبت به ماه ژوئیه ۳٫۶ درصد بالاتر رفته است. هزینه این کالای ضروری

صبحگاهی ۲۰۰٫۹ درصد بیشتر از سال گذشته است. قیمت گوشت نیز به‌ویژه گوشت گاو، همچنان در سطوح بالایی باقی مانده است: قیمت گوشت چرخ کرده ۱۲٫۸ درصد نسبت به آگوست ۲۰۲۴ افزایش یافته و قیمت استیک‌ها ۱۶٫۶ درصد بالاتر رفته است. بر اساس گزارش اداره آمار کار (BLS)، میانگین قیمت یک پوند گوشت چرخ کرده اکنون ۶٫۳۴ دلار است. افزایش قیمت مرغ، ماهی و سایر غذاهای دریایی نیز کمتر از ۳ درصد در سال بوده است، در حالی که برخی از اقلام مانند زامبون و کتف خوک کاهش قیمت را تجربه کرده‌اند. هرچند قیمت تخم مرغ، که به نماند اضطراب تورمی تبدیل شده.



۱۳

نتیجه مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می دهد

رد ادعای اثر مکانیسم ماشه بر اقتصاد ایران

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، تحریم‌های ثانویه آمریکا اقتصاد محور بوده و با هدف قرار دادن بخش‌های حیاتی اقتصاد ایران مانند نفت و بانکداری، به

دنبال فلج کردن اقتصاد کشور بوده و است و بنابراین، فعال سازی ماشه به خودی خود، رژیم تحریمی جدیدی، شدیدتر از فشارهای اقتصادی فعلی ایجاد نمی کند. شریعتمداری، چپسختی مکانیسم ماشه و میزان اثرگذاری آن بر اقتصاد ایران، به‌دغدغه و سؤال پرتکرار کنشگران اقتصادی، رسانه‌ها و عموم مردم تبدیل شده است.

مبنای حقوقی لازم است و باید باطل و بلااثر تلقی شود و با اینکه پرواضح است که نظام سیاست گذاری کشور باید از همه ابزارهای در دسترس خود برای پیشبرد دیپلماتیسی استفاده کند اما بررسی‌های همه‌جانبه و دقیق متن قطعنامه‌ها و سازوکارهای اجرایی آنها و همچنین موشکافی گزینه‌های تبدیل، نشان می دهد که مخاطرات اقتصادی این رخداد، چندان قابل توجه و قابل مدیریت نیست. این مدعا مبتنی بر ادله‌ای به شرح زیر است: اول، تمایز ماهوی میان تحریم‌های هدفمند شورای امنیت و تحریم‌های جامع ثانویه آمریکا یک اصل بنیادین است.



۱۴

غیرنفتی به کشور بازنگشته است، می گذرد، در آن مقطع، وجود نظام چندنرخ ارز به‌عنوان مهم‌ترین دلیل معرفی شد؛ عاملی که انگیزه صادرکنندگان را برای رفع تعهد ارزی کاهش داد.

چرا ۳۰ درصد ارز صادراتی برنمی‌گردد؟

برخی شواهد نشان می دهد ریشه اصلی بحران عدم بازگشت ارز صادراتی نه در بخش خصوصی، بلکه در عملکرد ۲۰ شرکت بزرگ دولتی و شبه‌دولتی است، این شرکت‌ها بخش عمده صادرات پتروشیمی، فولاد و معدنی را در اختیار دارند. حدود یک سال از زمانی که وزیر وقت اقتصاد اعلام کرد حدود ۳۰ درصد ارز حاصل از صادرات

غیرنفتی به کشور بازنگشته است، می گذرد، در آن مقطع، وجود نظام چندنرخ ارز به‌عنوان مهم‌ترین دلیل معرفی شد؛ عاملی که انگیزه صادرکنندگان را برای رفع تعهد ارزی کاهش داد. به گفته همتی وزیر وقت اقتصاد ۳۵ درصد از ارزهای صادراتی به کشور بازنگشته است، صادرکنندگان می گویند که بازگرداندن ارز برای آن‌ها صرفه اقتصادی ندارد. اما اکنون و با مرور آمار داده‌های رسمی، روشن شده است که ریشه اصلی ماجرا فراتر از نرخ ارز است و به ساختار معیوب اقتصاد ایران و نقش شرکت‌های بزرگ شبه‌دولتی بازمی‌گردد.

صادرات کشاورزی و صادرات صنعتی: دو مسیر متفاوت بررسی‌ها نشان می دهد باید بین صادرات کشاورزی و صادرات کالاهای صنعتی و معدنی تفاوت قائل شد. در بخش کشاورزی، سال گذشته حدود ۶ میلیارد دلار صادرات از محل تره‌بار، خشکبار و مواد غذایی ثبت شده است. بخشی از این صادرات، به دلیل ماهیت خرد و پراکنده، در قالب «صادرات ریالی» انجام شده است؛ به این معنا که صادرکننده کالا را در کشورهای همسایه می فروشد و ارز واقعی وارد چرخه اقتصادی نمی شود، در این حالت، عملاً رفع تعهد ارزی با مشکل مواجه است.



خبر



فشار مضاعف بر خانوارهای آمریکایی با افزایش مجدد تورم در آگوست

تورم در ایالات متحده طی ماه آگوست دوباره شتاب گرفت و بر فشار مضاعفی را بر کرده‌مصرف‌کنندگان آمریکای در بزرگ‌ترین دسته‌های هزینه‌ای وارد کرد. جدیدترین گزارش از نرخ تورم ماه آگوست نشان می‌دهد که شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) در این ماه نسبت به سال گذشته ۲.۹ درصد افزایش یافته و نسبت به ماه ژوئیه ۰.۴ درصد بالاتر رفته است. این افزایش، به‌ویژه در هزینه‌های غذا، سوخت و مسکن، بار سنگینی بر دوش خانوارها گذاشته است.

افزایش شدید قیمت مواد غذایی

برای اساس قیمت مواد غذایی در آگوست ۰.۵ درصد افزایش یافته و نسبت به سال گذشته ۳.۲ درصد بالاتر رفته است. قیمت قهوه به‌طور ویژه‌ای افزایش یافته و نسبت به ماه ژوئیه ۳.۶ درصد بالا رفته است. هزینه این کالای ضروری صبحگاهی ۲۰.۹ درصد بیشتر از سال گذشته است.

قیمت گوشت نیز به‌ویژه گوشت گاو، همچنان در سطوح بالایی باقی مانده است؛ قیمت گوشت چرخ‌کرده ۱۲.۸ درصد نسبت به آگوست ۲۰۲۴ افزایش یافته و قیمت استیک‌ها ۱۶.۶ درصد بالاتر رفته است. براساس گزارش اداره آمار کار (BLS)، میانگین قیمت یک پوند گوشت چرخ‌کرده اکنون ۶.۳۴ دلار است. افزایش قیمت مرغ، ماهی و سایر غذاهای دریایی نیز کمتر از ۳ درصد در سال بوده است، در حالی که برخی از اقلام مانند زامبون و کتف خوک کاهش قیمت را تجربه کرده‌اند. هرچند قیمت تخم‌مرغ، که به نماد اضطراب نومی تبدیل شده، در ماه گذشته تغییر قیمتی نداشته اما هنوز ۱۰.۹ درصد نسبت به سال گذشته بالاتر است. میانگین قیمت یک دوچین تخم‌مرغ بزرگ در آگوست ۴۴.۵۹ دلار بوده که از ۳۰.۶۰ دلار در ژوئیه و ۳۰.۷۸ دلار در ژوئن کمتر است. در همین رابطه ناگاری چودوری، استراتژیست ارشد سرمایه‌گذاری و پرتفوی بلک‌راک، اشاره کرد: بسیاری از این محصولات غذایی تحت تأثیر تعرفه‌ها قرار گرفته‌اند، زیرا ایالات متحده یک واردکننده خالص غذا است.

افزایش هزینه‌های رستوران

این گزارش نشان می‌دهد هزینه‌های خوردن در خارج از منزل ۰.۳ درصد نسبت به ژوئیه افزایش یافته و نسبت به سال گذشته ۳.۹ درصد بالاتر رفته است. این افزایش هزینه‌ها نشان‌دهنده فشار بیشتری بر بودجه خانوارها است.

تأثیر منفی تعرفه‌ها بر قیمت‌ها

در چنین شرایطی اقتصاددانان و مصرف‌کنندگان به دقت نشانه‌هایی از تأثیر تعرفه‌های جهانی رئیس‌جمهور ترامپ بر قیمت‌ها را زیر نظر دارند. تورم اصلی، که نوسانات قیمت‌های غذا و انرژی را حذف می‌کند، در آگوست نسبت به سال گذشته ۳.۱ درصد افزایش یافته و نسبت به ژوئیه تغییری نداشته است. این در حالی است که قیمت‌های اصلی به‌صورت ماهانه ۰.۳ درصد افزایش یافته که با افزایش ماه گذشته برابر است و این سریع‌ترین افزایش ماهانه در شش ماه اخیر به‌شمار می‌رود. این موضوع نشان‌دهنده تأثیر منفی کالاهای وارداتی مشمول تعرفه بر قیمت‌های مصرف‌کننده است.

در عین حال دسته‌های سنگین وارداتی که افزایش‌های قابل‌توجهی را تجربه کرده‌اند شامل خودروهای نوودست‌دوم، میبلان خانگی، پوشاک و غذا های کنسروی هستند. چودوری در این زمینه گفت: پس از افزایش‌های ناچیز در ژوئن و ژوئیه، آگوست شاهد شتاب قیمت‌ها از طریق تعرفه‌ها بر برخی کالاهای بود، زیرا شرکت‌ها هزینه‌های بالاتر را به مصرف‌کنندگان منتقل کردند.

وضعیت نگران‌کننده مسکن و حمل‌ونقل

با اینکه هزینه‌های مسکن از اوج قیمت‌های دوران همه‌گیری کرونا کاهش یافته، اما همچنان قابلیت خرید (affordability) برای مستأجران و مالکان چالش‌برانگیز است. در این ماه تورم مسکن ۰.۴ درصد افزایش یافته و در یک سال گذشته ۳.۶ درصد بالا رفته است. با وجود کاهش قیمت‌ها در برخی مناطق، همچنان بسیاری از خانواده‌ها قادر به تأمین مسکن مناسب نیستند و این موضوع به فشار اقتصادی بر روی آن‌ها افزوده است. اگرچه قیمت خودروها، به‌ویژه خودروهای دست‌دوم، در دوران کرونا افزایش یافت و اخیراً به ثبات رسیده است، با این حال قیمت خودروهای دست‌دوم از ژوئیه ۱ درصد افزایش یافته و ۶ درصد نسبت به سال گذشته بالاتر است. شاخص قیمت خودروهای نو نیز به‌طور ماهانه ۰.۳ درصد و به‌طور سالانه ۰.۷ درصد افزایش یافته است.

افزایش قیمت بنزین

طبق این گزارش، شاخص قیمت بنزین از ژوئیه ۱.۹ درصد افزایش یافته، هرچند که قیمت ۶.۶۶ درصد نسبت به سال گذشته پایین‌تر است. تا تاریخ ۱۱ سپتامبر، میانگین ملی قیمت بنزین ۳.۱۹ دلار در هر گالن بود که نسبت به ۳.۲۵ دلار سال گذشته کاهش یافته است. با گران‌تر شدن بنزین، قیمت بلیت‌های هواپیما نیز که اوایل تابستان کاهش یافته بود، در ماه گذشته دوباره افزایش یافت و پس از افزایش ۴۰ درصدی در ژوئیه، در آگوست ۵.۹ درصد بالا رفت.

مجموع این افزایش‌ها نشان‌دهنده چالش‌های اقتصادی عمیق‌تری است که خانواده‌ها با آن مواجه هستند و نگرانی‌ها در مورد آینده اقتصادی ایالات متحده را تشدید می‌کند. در شرایطی که قیمت‌ها به‌طور مداوم در حال افزایش هستند، خانوارها ناچارند برای تأمین نیازهای اولیه خود، هزینه‌های خود را مدیریت کنند. این وضعیت نه تنها بر کیفیت زندگی افراد تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به کاهش قدرت خرید و افزایش فشار مالی بر روی خانواده‌ها منجر شود.

از سوی دیگر افزایش هزینه‌های زندگی، به‌ویژه در زمینه‌های اساسی مانند غذا، مسکن و حمل‌ونقل، به نارضایتی عمومی دامن می‌زند. بسیاری از خانواده‌ها به دلیل هزینه‌های بالای مسکن و اجاره، با چالش‌هایی در تأمین مسکن مناسب مواجه هستند. موضوعی که می‌تواند افزایش تعداد بی‌خانمان‌ها و فشار بر سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی کشور را در پی آورد.

علاوه بر این، نتیجه افزایش قیمت‌ها به‌ویژه در زمینه‌های غذایی و خدمات، کاهش مصرف خانوارها و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی است. وقتی که مردم در تأمین نیازهای اولیه خود با مشکل مواجه می‌شوند، تمایل کمتری به خرید کالاهای غیرضروری دارند و این موضوع می‌تواند به رکود اقتصادی منجر شود. به همه این موارد، باید عدم اطمینان در مورد سیاست‌های اقتصادی دولت و تأثیر تعرفه‌ها بر قیمت‌ها را نیز علاوه کرد که موجب نگرانی بیشتر مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها شده است. این عدم اطمینان چشم‌اندازی جز کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و ایجاد رکود در بازار کار ندارد.

این چالش‌ها به‌طور کلی به ایجاد یک چرخه معیوب منجر می‌شود که در آن افزایش قیمت‌ها، کاهش قدرت خرید و در نتیجه کاهش مصرف، به رکود اقتصادی می‌انجامد. بنابراین، برای مقابله با این چالش‌ها، نیاز به سیاست‌های اقتصادی مؤثر و حمایت از خانواده‌ها و کسب‌وکارها وجود دارد. در غیر این صورت، آیدن اقتصادی ایالات متحده با خطرات جدی مواجه خواهد شد و فشار بر روی خانوارها هر روز بیش از پیش کمرشکن خواهد بود.



در ۵ ماه نخست ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل؛

صادرات غیرنفتی آب رفت

گزارش

کاهش حجم تجارت خارجی ایران در دولت چهاردهم ادامه دارد. در حالی که در ۵ ماه نخست سال گذشته که دولت شهید رئیسی بر مسند امور بود، مجموع تجارت خارجی غیرنفتی ایران ۴۹۰۸ میلیارد دلار بود در ۵ ماه نخست امسال با افت ۵/۸ میلیارد دلاری به کمتر از ۴۴ میلیارد دلار نزول پیدا کرده است.

در این میان، صادرات غیرنفتی با افت ۶ درصدی نسبت به سال گذشته مواجه شده و از ۲۲ میلیارد و ۲۵۶ میلیون

وزن واردات – هزار تن	ماه ۵ نخست ۱۴۰۳	۵ ماه نخست ۱۴۰۴
ارزش واردات – میلیون دلار	۲۷۵۰۹	۲۳۰۲۲
وزن صادرات – هزار تن	۶۱۰۲۸۹	۶۱۰۳۳۳
ارزش صادرات – میلیون دلار	۲۲۰۲۵۶	۲۰۰۹۱۷
مجموع تجارت خارجی غیرنفتی – میلیون دلار	۴۹۰۷۶۵	۴۳۰۹۳۹

دلار در ۵ ماه نخست سال قبل در دوره دولت سیزدهم به ۲۰ میلیارد دلار و در ۵ ماه نخست امسال رسیده است. این در حالی است که در ۵ ماه نخست سال

۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۲ صادرات غیرنفتی ایران بیش از ۱۰ درصد رشد کرده بود.

این کاهش نشان می‌دهد که وضعیت کشور از لحاظ تجارت

توافق جدید ایران با آژانس، سازوکار ماشه را متوقف می‌کند؟

براساس سابقه تعامل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران، هیچ تضمینی وجود ندارد که اگر ایران به توافق جدید پایبند باشد و با وجود ملاحظات امنیتی، اجازه دسترسی بیشتر بازرسان آژانس به مکان‌های نظامی و هسته‌ای را بدهد، این سازمان در گزارش خود پایبندی ایران به تعهدات را تأیید کند. حتی اگر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش خود پایبندی ایران به تعهدات برجامی را تأیید کند، بازهم تضمینی وجود ندارد که کشورهای اروپایی روند اجرایی شدن سازوکار ماشه و بازگشت قطعه‌نامه‌های تحریمی علیه ایران را متوقف کنند.

سازوکار ماشه یا «اسنپ‌بک» (بازگردانی سریع تحریم‌ها) یک مکانیسم در قطعنامه ۲۳۳۱ شورای امنیت است که به طرف‌های غربی این حق را می‌دهد که در صورت نقض قابل توجه تعهدات برجام توسط ایران، تمام تحریم‌های پیشین شورای امنیت علیه ایران را به‌طور خودکار و فوری بازگردانند. اوایل شهریورماه، سه کشور اروپایی با فعال سازی «سازوکار ماشه» روند بازگشت قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران را آغاز کردند. براساس سازوکار تعریف‌شده، ابلاغ رسمی این تصمیم به سازمان ملل روندی تقریباً غیرقابل بازگشت را آغاز می‌کند که ظرف اندکی بیش از یک ماه به بازگشت تحریم‌های تعلیق‌شده سازمان ملل علیه ایران منجر خواهد شد؛ تحریم‌هایی که طی یک دهه گذشته در حالت تعلیق قرار داشتند.

هدف ایران از توافق چیست؟

انتظار این بود که ایران در واکنش به این اقدام کشورهای اروپایی، رویکرد فعال‌تری داشته باشد. اما اکنون واکنش نداشتی از سوی ایران، از جمله در خصوص افزایش میزان و ذخایر اورانیوم غنی‌شده، با خروج از NPT، یا شاهد نشده است و هفته گذشته در روندی معکوس، ایران برای جلب اعتماد کشورهای اروپایی، توافقی جدید را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منعقد کرد.

مبنای اصلی برای فعال‌سازی سازوکار ماشه، گزارش‌های مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای حکام و شورای امنیت است. کشورهای اروپایی نیز با استناد به گزارش‌های آژانس مبنی بر عدم ایفای تعهدات برجامی ایران، اقدام اجرایی سازوکار ماشه کرده‌اند. از این روایران انتظار دارد با برگشتن آژانس در خصوص اجرای تعهدات برجامی خود، کشورهای اروپایی رافع کنند که از عملیات کردن سازوکار ماشه عقب‌نشینی کنند. براساس این رویکرد، اگر آژانس در گزارش بعدی خود اعلام کند که ایران در حال همکاری است و دسترسی لازم را فراهم کرده، مبنای قانونی و دیپلماتیک برای کسانی که می‌خواهند سازوکار ماشه را فعال کنند، بسیار ضعیف می‌شود. در این صورت، تلاش برای فعال‌سازی سازوکار ماشه با مقاومت سایر اعضا و حتی مخالفت بین‌المللی مواجه خواهد شد.

توافق جدید ایران با آژانس، سازوکار ماشه را متوقف می‌کند؟

اما باید پذیرفت که این یک تضمین قطعی نیست. در طول ۱۰ سال اجرایی شدن برجام، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها در گزارش‌های خود با اظهارات خلاف واقع و ایران را به عدم اجرای تعهدات خود متهم کرده است. بنابراین هیچ تضمینی وجود ندارد که اگر ایران به توافق جدید پایبند باشد و با وجود ملاحظات امنیتی، اجازه دسترسی بیشتر بازرسان آژانس به مکان‌های مختلف را بدهد، این سازمان در گزارش خود پایبندی ایران به تعهدات برجامی را تأیید کند. بازهم تضمینی وجود ندارد که کشورهای اروپایی روند اجرایی شدن سازوکار ماشه و بازگشت قطعه‌نامه‌های تحریمی علیه ایران را متوقف کنند. سابقه این کشورها نیز نشان می‌دهد به هیچ‌اصول و منطقی پایبند نیستند و در صره‌زدن به ایران از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کنند.

عدم انطباق نقشه ارزی و تجاری مشکلات تبادلات ارزی را

چند برابر می‌کند



موسوی ادامه داد: در این شرایط اگر منابع حاصل از صادرات کشور با مصارف تعریف شده در مبادی واردات مطابقت نداشته باشد، مشکلاتی به وجود خواهد آمد. در حالت کلی وابستگی به شبکه پرداخت غیررسمی (تراستی) مشکلاتی همچون سرعت کم، هزینه زیاد، عدم شفافیت و فساد را در بر دارد، اما اگر با عدم انطباق نقشه ارزی و تجاری روبرو شویم، همه این مشکلات تشدید می‌شود.

اتکا به آمارهای تجارت گمرکی بسرای تحلیل وضعیت ارزی نادرست است

این کارشناس اقتصادی اظهار داشت: یکی دیگر از چالش‌های حکمرانی ارزی کشور، تحلیل وضعیت ارزی به کمک آمارهای تجارت گمرکی است. اتکا صرف به آمارهای تجارت گمرکی از چند جهت دارای اشکال است: اولین ایراد، عدم توجه به ترکیب ارزهای مورد استفاده است. در حقیقت آمار تجارت گمرک، تنها با یک عدد معادل دلاری اعلام می‌شود و سهم سایر ارزها مانند یوان، درهم، یورو و روپیه در آن مشخص نشده است. برای مثال در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بانک مرکزی به صورت روزانه آمار عرضه و تقاضای سامانه نیما را اعلام کرده و خیراز آمار عرضه ارز در آن می‌داد. در حالی که عامل تعیین‌کننده در معامله ارزها، کیفیت ارزها و میزان تمایل تجار به استفاده از آن‌ها بوده و ممکن است به عنوان مثال در سامانه روپیه عرضه شده باشد، اما تقاضا برای درهم وجود داشته باشد.

در نرخ ارز را به همراه دارند. در صورتی که برای مقابله با تحریم‌ها بود اما به مرور زمان بانک مرکزی تلاش کرد کنترل نسبی آن را به دست بگیرد. وی اضافه کرد: تراستی‌ها همانند بسیاری از ابزارهای اقتصادی دوران تحریم، کارکرد دوگانه دارند. این ابزارها در عین حال که برخی مشکلات را حل می‌کنند، پتانسیل ایجاد مشکل برای کشور در زمان مدنظر آن‌ها است. دشمن هر شرایط فقدان بستررسمی بانکی برای تبادلات خارجی، تجارت را تسهیل می‌کند، تبعیاتی مانند تأخیر در تحویل پول توسط ذی‌نفعان، محدودیت ظرفیت و ایجاد نوسان

در نرخ ارز را به همراه دارند. در صورتی که برای مقابله با تحریم‌ها بود اما به مرور زمان بانک مرکزی تلاش کرد کنترل نسبی آن را به دست بگیرد. وی اضافه کرد: تراستی‌ها همانند بسیاری از ابزارهای اقتصادی دوران تحریم، کارکرد دوگانه دارند. این ابزارها در عین حال که برخی مشکلات را حل می‌کنند، پتانسیل ایجاد مشکل برای کشور در زمان مدنظر آن‌ها است. دشمن هر شرایط فقدان بستررسمی بانکی برای تبادلات خارجی، تجارت را تسهیل می‌کند، تبعیاتی مانند تأخیر در تحویل پول توسط ذی‌نفعان، محدودیت ظرفیت و ایجاد نوسان

موسوی ادامه داد: در این شرایط اگر منابع حاصل از صادرات کشور با مصارف تعریف شده در مبادی واردات مطابقت نداشته باشد، مشکلاتی به وجود خواهد آمد. در حالت کلی وابستگی به شبکه پرداخت غیررسمی (تراستی) مشکلاتی همچون سرعت کم، هزینه زیاد، عدم شفافیت و فساد را در بر دارد، اما اگر با عدم انطباق نقشه ارزی و تجاری روبرو شویم، همه این مشکلات تشدید می‌شود.

اتکا به آمارهای تجارت گمرکی بسرای تحلیل وضعیت ارزی نادرست است

این کارشناس اقتصادی اظهار داشت: یکی دیگر از چالش‌های حکمرانی ارزی کشور، تحلیل وضعیت ارزی به کمک آمارهای تجارت گمرکی است. اتکا صرف به آمارهای تجارت گمرکی از چند جهت دارای اشکال است: اولین ایراد، عدم توجه به ترکیب ارزهای مورد استفاده است. در حقیقت آمار تجارت گمرک، تنها با یک عدد معادل دلاری اعلام می‌شود و سهم سایر ارزها مانند یوان، درهم، یورو و روپیه در آن مشخص نشده است. برای مثال در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بانک مرکزی به صورت روزانه آمار عرضه و تقاضای سامانه نیما را اعلام کرده و خیراز آمار عرضه ارز در آن می‌داد. در حالی که عامل تعیین‌کننده در معامله ارزها، کیفیت ارزها و میزان تمایل تجار به استفاده از آن‌ها بوده و ممکن است به عنوان مثال در سامانه روپیه عرضه شده باشد، اما تقاضا برای درهم وجود داشته باشد.

در نرخ ارز را به همراه دارند. در صورتی که برای مقابله با تحریم‌ها بود اما به مرور زمان بانک مرکزی تلاش کرد کنترل نسبی آن را به دست بگیرد. وی اضافه کرد: تراستی‌ها همانند بسیاری از ابزارهای اقتصادی دوران تحریم، کارکرد دوگانه دارند. این ابزارها در عین حال که برخی مشکلات را حل می‌کنند، پتانسیل ایجاد مشکل برای کشور در زمان مدنظر آن‌ها است. دشمن هر شرایط فقدان بستررسمی بانکی برای تبادلات خارجی، تجارت را تسهیل می‌کند، تبعیاتی مانند تأخیر در تحویل پول توسط ذی‌نفعان، محدودیت ظرفیت و ایجاد نوسان

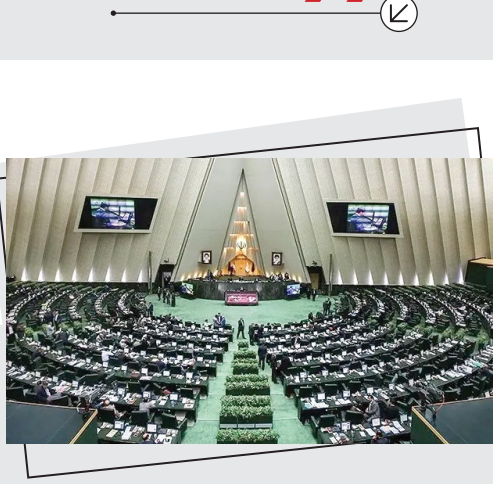
در نرخ ارز را به همراه دارند. در صورتی که برای مقابله با تحریم‌ها بود اما به مرور زمان بانک مرکزی تلاش کرد کنترل نسبی آن را به دست بگیرد. وی اضافه کرد: تراستی‌ها همانند بسیاری از ابزارهای اقتصادی دوران تحریم، کارکرد دوگانه دارند. این ابزارها در عین حال که برخی مشکلات را حل می‌کنند، پتانسیل ایجاد مشکل برای کشور در زمان مدنظر آن‌ها است. دشمن هر شرایط فقدان بستررسمی بانکی برای تبادلات خارجی، تجارت را تسهیل می‌کند، تبعیاتی مانند تأخیر در تحویل پول توسط ذی‌نفعان، محدودیت ظرفیت و ایجاد نوسان

سید شهاب موسوی کارشناس اقتصادی، ضمن اشاره به اهمیت انطباق نقشه ارزی و تجاری در شرایط عدم اتصال به نظام مالی بین‌المللی، گفت: دو عامل کلیدی اتصال به نظامات مالی بین‌المللی و دسترسی به ارزهای جهان‌روا موجب عدم نیاز کشورها در شرایط عادی به انطباق نقشه ارزی و تجاری می‌شود. با وجود محدودیت‌های بانکی و غیررسمی بودن نظام پرداخت، عدم انطباق نقشه تجاری و ارزی موجب تشدید چالش‌های تبادلات ارزی شده است.

پس از تحریم‌های بانکی همواره مشکلاتی در نقل و انتقالات ارزی برای کشور و به‌ویژه تجار وجود داشته و انطباق نقشه ارزی و تجاری به عنوان یکی از راهکارها برای برون رفت از این مسئله مطرح شده است. در همین راستا سید شهاب موسوی کارشناس پول و بانک در گفت‌وگو با مسیر اقتصاد گفت: عدم انطباق نقشه ارزی و تجاری در بسیاری از کشورها مشکلی ایجاد نمی‌کند. دلیل اصلی این وضعیت، اتصال به نظامات مالی بین‌المللی و وجود جریان سیال پول است. در چنین کشورهایی، صادرکننده می‌تواند ارز محلی کشور مقصد را به سادگی در بازار جهانی به ارزهای جهان‌روا تبدیل کند و سپس از آن برای واردات استفاده کند. دو عامل کلیدی در این فرآیند وجود دارد: اول اتصال به نظامات مالی بین‌المللی که به دلیل گسترگی، شفافیت، سیستمی و فراگیر بودن، هزینه مبادله را کم می‌کند و دوم دسترسی به ارزهای جهان‌روا به عنوان واسطه تبدیل ارز امکان تبدیل و مدیریت منابع را فراهم می‌سازد.

بدون انطباق نقشه ارزی و تجاری چالش‌های تبادلات ارزی چند برابری می‌شود

این کارشناس اقتصادی گفت: رسمی نبودن شبکه پرداخت بین‌المللی کشور پیامدهایی در پی دارد؛ اول اینکه دسترسی به ارزهای جهان‌روا مانند قبل نبوده و دشوار و پرهزینه است. در این شرایط هر تراکنشی برای کشور دارای ریسک است، یعنی باید تا حد ممکن تعداد تراکنش‌ها و حجم آن‌ها را به حداقل رساند. ضمن اینکه به دلیل ریسکی که هر تراکنش دارد، هزینه آن هم بالا می‌رود.



نتیجه مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد رد ادعای اثر مکانیسم ماشه بر اقتصاد ایران

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، تحریم‌های ثانویه آمریکا و بانکداری، به دنبال فلج کردن اقتصاد کشور بوده‌است و بنابراین، فعال‌سازی ماشه به خودی خود، رژیم تحریمی جدیدی، شدیدتر از فشارهای اقتصادی فعلی ایجاد نمی‌کند. در روزهای جاری، چستی مکانیسم ماشه و میزان اثر گذاری آن بر اقتصاد ایران، به بدغدغه و سؤال پررنگ‌رکن‌کنشگران اقتصادی، رسانه‌ها و عموم مردم تبدیل شده است. هرچند مطابق با نامه مشترکی که وزرای خارجه ایران، چین و روسیه به دبیرکل سازمان ملل متحد و رئیس شورای امنیت ارسال داشته‌اند، استفاده از مکانیسم ماشه توسط کشورهای فرانسه، آلمان و انگلیس فاقد مبنای حقوقی لازم است و باید باطل و بلااثر تلقی شود و با اینکه پروواضح است که نظام سیاست‌گذاری کشور باید از فشارهای در دسترس خود برای پیشبرد دیپلماسی استفاده کند اما بررسی‌های همه جانبه و دقیق متن قطعنامه‌ها و سازوکارهای اجرایی آنها و همچنین موشکافی گزینه‌های بدیل، نشان می‌دهد که مخاطرات اقتصادی این رخداد، چندان قابل توجه و قابل مدیریت نیست. این معادamenti برادلهای به شرح زیر است:

اول، نمایانمایی میان تحریم‌های هدفمند شورای امنیت و تحریم‌های جامع ثانویه آمریکا یک اصل بنیادین است. تحریم‌های سازمان ملل، اساساًشاعه‌محور و بر محدودسازی برنامه‌های هسته‌ای و موشکی از طریق ممنوعیت‌های تسلیحاتی، مسدودسازی دارایی نهادهای مشخص و کنترل صادرات اقلام با کاربرد دوگانه متمرکز شده‌است. در مقابل، تحریم‌های ثانویه آمریکا اقتصادمحور بوده و با هدف قرار دادن بخش‌های حیاتی اقتصاد ایران مانند نفت و بانکداری، به دنبال فلج کردن اقتصاد کشور بوده‌است. بنابراین، فعال‌سازی ماشه به خودی خود، رژیم تحریمی جدیدی شدیدتر از فشارهای اقتصادی فعلی ایجاد نمی‌کند.

دوم، اثر اصلی اقتصادی فعال‌سازی ماشه، استنزاف ریزیم کنترل صادرات در حوزه فناوری‌های دارای کاربرد دوگانه است، این ریسک اگرچه محل توجه‌است اما با توجه به تجربه کشور در توسعه تکنیک‌های پیشرفته برای عبور از محدودیت‌ها و ممن‌سازی شبکه‌های مابین، قابل مدیریت است. عدم هم‌سویی کامل قدرت‌هایی مانند چین و روسیه با اجرائی این محدودیت‌ها نیز فضای تنفسی قابل توجهی برای ایران فراهم می‌آورد.

سوم، سازوکار بازرسی از محموله‌ها که یکی از نگرانی‌های اصلی مطرح شده در فضای عمومی است، در عمل با محدودیت‌های حقوقی و اجرایی جدی مواجه است. قطعنامه ۱۹۲۹ در بند ۱۴، کشورها را به بازرسی محموله‌های ورودی یا خروجی از ایران در قلمرو خود (بنادر، فرودگاه‌ها و مرزهای زمینی) ملزم می‌کند اما این الزام مشروط به «وجود دلایل معقول برای باور» به حمل اقلام ممنوعه است. این شرط، با بازرسی‌های یوروکو و جلوگیری می‌کند و به ارائه اطراعات مشخص و معتبر نیازمند است. مهم‌تر از آن، بند ۱۵» به بازرسی در آب‌های آزاد می‌پردازد و به صراحت این اقدام را به «رضایت کشور صاحب پرچم» کشتی منوط می‌کند.

بدان معنا که بدون رضایت کشوری که کشتی تحت پرچم آن حرکت می‌کند، هیچ بازرسی قانونی در آب‌های بین‌المللی ممکن نیست و هر اقدامی غیر از این، نقض حاکمیت ملی و قوانین درناوردی بین‌المللی محسوب می‌شود. ضمن اینکه با توجه به سابقه موضوع، ریسک اقدام متقابل نیز برای کشورهای متخاصم وجود خواهد داشت و تهدید معتبر در این حوزه، به بازارزدگی جدی منجر خواهد شد. بنابراین، این سازوکار به هیچ وجه مجوزی برای یک محاصره دریایی یا توقیف سیستماتیک کشتی‌های تجاری ایران نیست. مهم‌تر اینکه پتل کارشناسان که در عمل مهم‌ترین ضمانت‌اجرائی قطعنامه ۱۹۲۹ است، برای تمدید فعالیت به قطعنامه نیاز داشته که این قطعنامه نیز توسط چین با روسیه قابل و نتواست.

چهارم، در فضای رسانه‌ای و عمومی، این گمانه‌زنی مطرح است که فعال‌سازی ماشه ممکن است با فشار سیاسی آمریکا بر شرکای تجاری ایران، به‌ویژه چین برای کاهش خرید نفت یا محدودسازی همکاری‌های اقتصادی با ایران هم‌زمان شود. باید توجه داشت که این فشارها ابزارهای کاملاً مستقلی در جعبه ابزار سیاست خارجی واشنگتن است و لزوماً به سرزوش قطعنامه‌های سازمان ملل گره نخوردند. آمریکا حتی در دوران تعلیق تحریم‌های سازمان ملل نیز با تحریم‌های ثانویه تهدید به اقدام‌های تنبیهی مانند اعمال تعرفه‌های تجاری، تلاش کرده تا همکاری‌های اقتصادی چین با ایران را محدود کند. به علاوه جهان ۲۰۲۵ از اساس با جهان ۲۰۱۰ متفاوت است. در شرایطی که جهان، از منظر اقتصادی، به سمت چندتکه شدن در حال حرکت است و از منظر سیاسی، امنیتی و نظامی نیز دستخوش درگیری‌ها، نزاع‌ها و جنگ‌های ادامه‌دار شده، تبعاً قطعنامه‌ها، کارایی پیشین را نخواهد داشت. بیانه مشترک وزرای خارجه چین، ایران و روسیه نمود روشنی از بروز شکاف در سطح حکمرانی جهانی است. در بخشی از این بیانه آمده‌است: «شورای امنیت سازمان ملل نمی‌تواند بر اساس ارتباط اقدام سه‌کشور اروپا (E3E) عمل کند و باید آن را باطل و بی‌اثر تلقی نماید. هرگونه گام باوقدافی که در پی اعتنایی با معابر تارت قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد صورت گیرد، نمی‌تواند به تعهدات بین‌المللی قانونی برای کشورهای عضو سازمان ملل منجر شود.»

پنجم، بازگشت ادعایی و غیرقانونی قطعنامه‌هایک اقدام در چارچوب دیپلماسی

بین‌المللی است و به خودی خود نه به اقدام نظامی مشروعیت می‌بخشد و نه مشروعیت بین‌المللی تحریم‌های ثانویه آمریکا را افزایش می‌دهد. توضح آنکه قطعنامه ۱۹۲۹ بر اساس بند ۱۴» از فزال مفتتم منشور ملل متحد صادر شده که به جای اقدام نظامی در مورد اقدام‌های غیرنظامی و تحریم‌های برابر مقابله با تهدیدها با نقض‌های صلح استفاده می‌کند. در صدر قطعنامه مذکور نیز تصریح می‌شود که «با تأکید بر اینکه هیچ چیز در این قطعنامه کشورها را مجبور به اتخاذ اقدام‌ها یا اعمال خارج از عرف این قطعنامه نمی‌کند، از جمله این اقدام‌ها استفاده از زور یا تهدید برای اوست». به علاوه، تصمیم برای اقدام نظامی، یک محاسبه پیچیده ژئوپلیتیک است که به موازنه قدرت منطقه‌ای، ارزیابی هزینه‌ها و منافع و شرایط داخلی کشورهای متخاصم بستگی دارد و قطعنامه‌ها، متغیر تعیین‌کننده‌ای در این معادله پیچیده نیستند. کم‌اینکه جنگ تحمیلی ۱۳روز علیه ایران و مشارکت مستقیم آمریکا در این جنگ و پشتیبانی کشورهای اروپایی از اسرائیل در زمانی اتفاق افتاده که حتی اعلان سازوکار ماشه داده نشده بود. به همین ترتیب، تحریم‌های ثانویه آمریکا از منظر بسیاری از کشورهای جهان، همچنان اقدامی یک‌جانبه و ناقص حاکمیت اقتصادی سایر کشورهای تاقی می‌شود. فعال‌سازی ماشه این ماهیت حقوقی را تغییر نمی‌دهد و صرفاً ابزری سیاسی در اختیار آمریکا قرار می‌دهد تا فشار خود بر شرکت‌های بین‌المللی را بااستاد به «بازگشت اجماع بین‌المللی» تبدیل کند اما این استاندارد نیز در عمل به دلیل مخالفت قدرت‌هایی چون چین و روسیه، یک اجماع واقعی نخواهد بود.



کاهش ۸۴ درصدی ناترازی برق با احداث ۹ هزار مگاوات نیروگاه تولید برق

گزارش

پدیده ناترازی برق در ایران از یک چالش مقطعی در اوج بار، به یک مسئله ساختاری در تمامی سطوح بار (پایه، میانی و اوج) تبدیل شده است؛ به طوری که در طول سال، کشور در ۱۰۸۶ ساعت درگیر ناترازی است. افزایش ظرفیت نیروگاهی بخشی از راهکار مقابله با ناترازی انرژی است اما تنها صرف به آن بهره‌رهنه و ناکارآمد است و باید در کنار مدیریت تقاضا اجرایی شود. با سرمایه‌گذاری معقول و احداث حدود ۹۲۲۵ مگاوات ظرفیت جدید، می‌توان ۸۴ درصد از ساعات ناترازی را پوشش داد و ناترازی باقیمانده را به ۱۷۵ ساعت محدود کرد که عمدتاً مربوط به اوج بار بحرانی است. «جایگزینی و بهینه‌سازی تجهیزات بر مصرف»، «بازنگری در توسعه صنایع انرژی پر و «اصلاح ساختار قیمت‌گذاری و تعرفه‌ها» از جمله اقدامات لازم برای مدیریت تقاضای برق است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به تازگی گزارشی با عنوان «واکوی مفهوم ناترازی برق در کشور» منتشر کرده است و در آن به بررسی مفهوم ناترازی، میزان کمبود برق در تمامی سطوح بار (پایه، میانی و اوج)، عوامل ناترازی و راهکارهای کاهش ناترازی پرداخته است. براساس این گزارش پدیده ناترازی در سیستم برق کشور، به‌ویژه در سال‌های اخیر، از یک مسئله محدود در ساعات اوج بار بحرانی به چالشی گسترده‌تر و چندوجهی تبدیل شده است که شامل نواحی بار میانی و غیربحرانی اوج بار نیز می‌شود. این موضوع نشان‌دهنده کاهش تاب‌آوری شبکه و نیاز مبرم به تکمیل واحدهای بخار نیروگاه‌های بازنگری در سیاست‌ها و راهبردهای تأمین برق کشور است.

۱۰۸۶ ساعت ناترازی برق داریم

این ناترازی که بیش از ۱۰۸۶ ساعت از سال را درگیر می‌کند، عمدتاً ناشی از محدودیت در ظرفیت تولید، فرسودگی نیروگاه‌ها، افزایش مصرف ناشی از رشد صنایع انرژی پر و تغییرات اقلیمی است.

علاوه بر این، الگوی نامناسب مصرف برق، سیاست‌های بارانه‌ای و قیمت‌گذاری غیربهینه، بار اضافی بر شبکه وارد کرده و شکاف میان عرضه و تقاضا را تشدید کرده است.

اولویت نخست در مواجهه با این چالش، تمرکز بر رفع ناترازی در بخش بار میانی است؛ بخشی که در سال‌های اخیر توان پیش از این دارای تعادل نسبی میان تولید و تقاضا بود؛ اما اکنون با

ظرفیت جدید بوده که از نظر اقتصادی و زمانی بسیار چالش برانگیز است. اما با سرمایه‌گذاری معقول‌تر و احداث حدود ۹۲۲۵ مگاوات ظرفیت جدید، معادل ۵۵ درصد از ظرفیت مورد نیاز، می‌توان ۸۴ درصد از ساعات ناترازی را پوشش داد و ناترازی باقیمانده را به ۱۷۵ ساعت محدود کرد که عمدتاً مربوط به اوج بار بحرانی است. با توجه به پراکندگی زمانی ناترازی در ساعات مختلف روز و وابستگی بیش از ۹۰ درصد ظرفیت تولید برق کشور به سوخت‌های فسیلی، برنامه‌ریزی جامع و متنوع‌سازی منابع تولید برق ضروری است. این برنامه باید برپایه تحلیل دقیق الگوی زمانی ناترازی و متناسب با ظرفیت‌ها و محدودیت‌های هر منبع انرژی تدوین شود تا ضمن افزایش تاب‌آوری و پایداری شبکه، ریسک وابستگی به یک منبع خاص کاهش یابد و سرمایه‌گذاری‌ها بهینه شود.

بدون مدیریت تقاضا، کاهش ناترازی برق برهنه‌تر است

علاوه بر توسعه ظرفیت تولید، تقویت ابزارهای مدیریت تقاضا، از جمله سیاست‌های پاسخ‌گویی بار، جابه‌جایی مصرف به ساعات کم‌مصرف و قراردادهای تعدیل بار، نقش کلیدی در کاهش اوج بار بحرانی و کاهش نیاز به احداث ظرفیت‌های جدید دارد. همچنین ارتقای بهره‌وری انرژی در بخش خانگی، به‌ویژه با اصلاح الگوی مصرف و جایگزینی تجهیزات سرمایشی پر مصرف، گامی مهم در کاهش بارهای اوج محسوب می‌شود.

برآوردها نشان می‌دهد که تنها با اجرای مؤثر سیاست‌های مدیریت مصرف معادل کاهش تقاضای ناشی از ۲ درجه افزایش دما، می‌توان تا ۱۵۰ ساعت از ناترازی در ناحیه بحرانی اوج بار را کاهش داد. از این رو، طراحی و اجرای برنامه‌های هدفمند در سمت تقاضا باید به‌عنوان مکمل توسعه زیرساخت‌های تولید، در اولویت سیاست‌گذاری قرار گیرد.

سیاست‌گذاری دقیق در زمینه توسعه صنایع انرژی بر، همراه با الزام به سرمایه‌گذاری در تأمین انرژی اختصاصی و مکان‌یابی بهینه، از دیگر ضرورت‌های مدیریت پایداری شبکه است. با توجه به نوسانات اقلیمی و تغییرات بارندگی، برنامه‌ریزی تولید باید بر اساس سناریوهای اقلیمی واقع‌گرایانه و راهبردهای تطبیقی انجام شود تا از آسیب‌پذیری منابع تولیدی کاسته شود. تقویت نظام نظارتی و تدوین سیاست‌های جامع و قوی‌تر، به منظور مدیریت هوشمندانه رشد بی‌رویه تقاضای برق، همراه با بازنگری و اصلاح ساختارهای قیمت‌گذاری انرژی، به‌گونه‌ای که انگیزه‌های مصرف‌بهینه و صرفه‌جویی به صورت واقعی ایجاد شود و مصرف‌کنندگان به سمت الگوهای مصرف پایدار و مستولانه هدایت شوند از دیگر الزامات مقابله با ناترازی انرژی است.

در نهایت، موفقیت در مقابله با پدیده ناترازی نیازمند رویکردی تلفیقی، منسجم و مبتنی بر داده‌های دقیق است که ضمن توسعه ظرفیت تولید، بهره‌وری مصرف را ارتقا دهد و ابزارهای مدیریت تقاضا را تقویت کند. این رویکرد، راه‌کاری پایدار و اقتصادی برای حفظ تاب‌آوری و پایداری شبکه برق کشور در شرایط فعلی و آینده خواهد بود.

نقش ۸۶ درصدی کامیون‌داران در جابجایی بار و ۳۰ چالش جدی

کامیون‌داران خودمالک با جابه‌جایی ۸۶ درصد از بار، بازیگران اصلی حمل‌ونقل ایران محسوب می‌شوند و تقویت اقتصاد آنان، تاب‌آوری لجستیک کشور در برابر حوادث را افزایش خواهد داد. در حال حاضر اخیر در پرداخت کرایه‌ها، بومی‌گزینی و عدم رعایت مقررات ابعاد و اوزان از سوی شرکت‌ها، سه مورد از مهم‌ترین مشکلات کامیون‌داران است که اقتصاد آنان را تضعیف می‌کند.

حمل‌ونقل جاده‌ای با سهم ۹۰ درصدی از کل جابه‌جایی بار در کشور، ستون فقرات حمل‌ونقل در ایران محسوب می‌شود. همچنین جامعه کامیون‌داران خودمالک با در اختیار داشتن ۹۵ درصد از کل ناوگان حمل بار جاده‌ای، مجریان اصلی بخش حمل‌ونقل محسوب می‌شوند. از این رو تقویت اقتصاد کامیون‌داران خصوصاً در شرایط کنونی که سایه تهدیدات نظامی بر سر کشور وجود دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است.

لزوم ایجاد سازوکار پرداخت به‌موقع کرایه

عدم پرداخت به‌موقع کرایه، یکی از مهم‌ترین مشکلات کامیون‌داران است. براساس آیین‌نامه تأسیس شرکت‌های حمل‌ونقل، وظیفه پرداخت کرایه به راننده هر عهده شرکت صادرکننده بارنامه است. اما به علت عدم تعادل در عرضه و تقاضای حمل بار و وجود ناوگان مازاد در نیز، معمولاً دست‌برتر در تحمیل شرایط با شرکت‌ها و صاحبان کالا است. در چنین شرایطی دولت به‌عنوان تنظیم‌گرو موظف است در ازای حقوق و امتیازاتی که برای شرکت‌ها ایجاد کرده است، بسترامنی برای فعالیت کامیون‌داران و سازوکار مناسبی جهت استیفای حقوق آنان فراهم نماید.

این مسئله در جلسه سبزاسمان راهداری با نمایندگان تشکل‌های صنفی بخش حمل‌ونقل مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۴ مطرح و تصمیم بر آن شد که از فعالیت شرکت‌های یک مشکلاتی کرایه رانندگان را با تاخیری بیش از ۴۸ ساعت پرداخت می‌کنند، جلوگیری شود.

به‌عنوان یک حل‌کننده برای رفع مشکل تأخیر در پرداخت کرایه می‌توان به سامانه پاک (پرداخت آنلاین کرایه) که از سوی برخی فعالین این صنف مطرح می‌شود، اشاره کرد. در سال ۱۴۰۰ شیوه‌نامه‌ای برای اجرای این طرح در سازمان راهداری تنظیم شد اما به مرحله اجرا نرسید. از نظر اجرایی، این سامانه می‌تواند ذیل صندوق توسعه حمل‌ونقل تعریف شود.

تشدید مشکل بومی‌گزینی با نقوض اختیار به استانداری‌ها

بومی‌گزینی به معنای اولویت‌دهی به ناوگان بومی در سالن‌های اعلام بار در مناطق مختلف است. این مسئله یکی از مشکلاتی است که اغلب کامیون‌داران را با چالش مواجه می‌کند و نتیجه آن تشدید سفرهای خالی ناوگان، کاهش بهره‌وری سوخت و کاهش بهره‌وری ظرفیت ناوگان است.

پدیده بومی‌گزینی که با نظام سیاسی و اقتصادی متمرکز حاکم بر کشور در تقارض است، با نقوض اختیار به استانداری‌ها تشدید شده است؛ چراکه استانداران عموماً بخشی نگر هستند و در صورت تقارض، منافع استان خود را بر تصمیمات و سیاست‌های دستگاه‌های تخصصی ترجیح می‌دهند.

جایگزینی برندهای مصری با برندهای حامی رژیم صهیونیستی



مانند «کارفور» و بخش‌های پوشاک و کفش نیز سرسید و نشان‌های برجسته‌ای چون «آدیداس»، «نایکی»، «زارا» و «اچ‌اندام» را هدف قرار داد که بر حجم فروش آن‌ها در بازار مصر تأثیر گذاشت. اگرچه آمار رسمی و دقیقی از ضرر در دست نیست، اما گزارش‌های شرکت‌های بین‌المللی، کاهش فروش نشان‌های حامی رژیم صهیونیستی در غرب آسیا را به دلیل «بحران تحریم» تأیید کرده‌اند.

صعود شرکت‌های مصری در سایه تحریم

پس از کارزارهای تحریم، شرکت‌های داخلی پا به بازار گذاشتند و توانستند خلأ ایجادشده توسط نشان‌های جهانی را پر کنند. در رأس این شرکت‌ها، تولیدکننده نوشابه‌های گازدار «اسپیرو اسپانس» قرار دارد که با استقبال بی‌سابقه مواجه شد. تا جایی که محصولاتش در بسیاری از فروشگاه‌ها به‌طور کامل به فروش می‌رسید. این شرکت مجبور شد ظرفیت تولید خود را افزایش دهد و تولیداتش را به کشورهای دیگر گسترش دهد.

یوسف طلعت، مدیر و شریک تجاری شرکت «ممیکو (مالک نشان اسپیرو اسپانس)» می‌گوید: محصولات ما در ابتدا از موج فراخوان‌های تحریم بهره‌مند شدند که حضورمان در بازار را تقویت کرد. او افزود که تحریم محصولات مرتبط با رژیم صهیونیستی، درها را برای بسیاری از شرکت‌ها و کارخانه‌های داخلی در بخش‌های مواد غذایی، نوشیدنی، پوشاک، رستوران‌ها و غیره باز کرد و به شرکت او کمک کرد تا پایگاه مشتریان خود را گسترش دهد و اعتماد مصرف‌کننده را به کیفیت محصولاتش جلب کند.

جایگزینی برندهای مصری با برندهای حامی رژیم صهیونیستی گفتمنی است که برخی از محصولات مصری همچون «اسپیرو اسپانس» دیگر به بازار داخلی محدود نیست و با صادرات به بازارهای جهانی از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند امارات، قطر، عربستان و کویت، در حال توسعه فعالیت‌ها است.

خود است.

گسترش دامنه تحریم به رویدادهای فرهنگی

واکنش مردمی به تحریم‌ها به محصولات غذایی، نوشیدنی، پوشاک، کفش و محصولات الکترونیکی محدود نماند، بلکه به رویدادهای هنری و موسیقی نیز گشوده شد. کنسرت‌های برخی گروه‌ها و خوانندگانی که مواضع حمایتی از اسرائیل اعلام کرده بودند، لغو شد.

این امر تأکیدی می‌کند که افکار عمومی نسبت به هر آنچه به آرمان فلسطین مربوط می‌شود، حساس‌تر شده است. جنبش تحریم اسرائیل در مصر کارزاری را در رسانه‌های اجتماعی برای فشار بر برگزارکنندگان جهت لغو کنسرت گروه «اسکورپیونز» که برای ماه اکتبر آینده برنامه‌ریزی شده، به راه انداخت.

این جنبش معتقد است که تاریخچه این گروه مملو از مواضع حمایتی از رژیم اشغالگر است که برجسته‌ترین آن‌ها برگزارای کنسرت در تل‌آویو و بیت‌المقدس اشغالی و اظهارات حمایت‌آمیز از تهاجم به غزه پس از ۱۷کتبر بوده‌است.

نقطه عطف: ارتباطات سل جدید با تحریم رژیم اشغالگر قدس

حسام محمود، فعال جنبش BDS در مصر، تأکید کرد: قطع‌نمای مصرف‌کنندگان در مصر پس از عملیات طوفان الاقصی به وضوح تغییر کرد. بخش‌های وسیعی از جامعه به تحریم شرکت‌ها و نشان‌های حامی رژیم صهیونیستی روی آوردند و به جای محصولات خارجی، به دنبال جایگزین‌های داخلی رفتند.

عبدالعزیز الحسینی، بنیان‌گذار کمیته تحریم اسرائیل در مصر، نیز توضیح داد که هرچند کارزارهای تحریم جدید نیستند، اما

رویدادهای پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ یک نقطه عطف بود. نسل‌های گذشته‌ای است که برخی از محصولات مصری همچون «اسپیرو اسپانس» دیگر به بازار داخلی محدود نیست و با صادرات به بازارهای جهانی از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند امارات، قطر، عربستان و کویت، در حال توسعه فعالیت‌ها است.

